

## حاکمان و اخلاق از محتشمی تا محسنی (تطبیق اخلاق محتشمی و اخلاق محسنی)

دکتر یداله قائم‌پناه\*

### چکیده

خواجه نصیرالدین طوسی از اندیشمندان بزرگ جهان اسلام است که به سبب هم‌عصری با دوره انحطاط، مغفول ماند و قدر و منزلت او به نحو شایسته مورد کاوش قرار نگرفت. این موضوع در مورد فانی کشمیری به مراتب با شدت و حدت بیشتری نمود دارد. کتاب *اخلاق عالم آرای* یا *اخلاق محسنی* ملا محسن فانی کشمیری در نسخه‌های بسیار معدود انتشار یافته است و اغلب اساتید و صاحب‌نظران از وجود این کتاب اطلاعی ندارند. گمنامی و بی‌نامی *اخلاق محسنی* فانی کشمیری، سبب گردیده است تا تحقیقات و مطالعات بسیار اندکی پیرامون آن صورت پذیرد. هدف از این مطالعه بررسی و مقایسه تطبیقی محتوای *اخلاق محتشمی* و *اخلاق محسنی* تألیف ملا محسن فانی کشمیری است. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در هر دو کتاب یاد شده، بر محور مضامین و مفاهیم اخلاقی مشابه و مشترکی سامان گرفته است. در هر دو کتاب علاوه بر آیات الهی در قرآن کریم و احادیث و روایات اسلامی از معصومین به‌ویژه از پیامبر اسلام (ص) اشارات مستقیم و غیرمستقیم به دیدگاه‌های افلاطون و ارسطو شده و نیز منابع مشترک مورد استفاده قرار گرفته شده است. نیز در عین وجوه شباهت بین این دو کتاب، وجوه افتراقی هم فراوان است. از جمله ستایش‌های بیش از اندازه و اغراض‌آمیز فانی کشمیری از برخی شخصیت‌ها که شأنی برای مدحی چنان نداشته‌اند و این موضوع در *اخلاق محتشمی* به چشم نمی‌آید و یا حداقل کمتر مشاهده شده است. علاوه بر این متن *اخلاق محتشمی* از روایی و روانی بیشتری برخوردار بوده؛ حال آنکه کتاب فانی کشمیری دارای متنی به نسبت ادبی و دشوارتر است.

**کلید واژه:** اخلاق محتشمی، اخلاق محسنی، اخلاق ناصری، مطالعات تطبیقی.

\*. دکترای ادیان و مذاهب فقهی. (Yadollah\_ghaempanah@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۲

تاریخ وصول: ۹۸/۰۴/۱۵

## مقدمه

محمدبن حسن جهرودی طوسی مشهور به خواجه نصیرالدین طوسی در تاریخ ۱۵ جمادی الاول سال ۵۹۸ هجری قمری در طوس ولادت یافته و در سال ۶۷۲ هـ ق نصیر الدین طوسی با جمعی از شاگردان خود به بغداد رفت که بقایای کتاب‌های تاراج رفته را جمع‌آوری و به مراغه بازگرداند؛ اما اجل مهلتش نداد و در تاریخ ۱۸ ذی الحجه سال ۶۷۲ هـ ق در کاظمین نزدیک بغداد دار فانی را وداع گفت.

او به تحصیل دانش علاقه زیادی داشت و از دوران جوانی در علوم ریاضی، نجوم و حکمت سرآمد شد و از دانشمندان معروف زمان خود گردید. طوسی یکی از سرشناس‌ترین و با نفوذترین چهره‌های تاریخ اسلامی است.

خواجه، علوم دینی و علوم عملی را زیر نظر پدرش و منطق و حکمت را نزد خالویش بابا افضل ایوبی کاشانی آموخت. تحصیلاتش را در نیشابور به اتمام رسانید و در آنجا به عنوان دانشمندی برجسته شهرت یافت.

خواجه نصیرالدین زمانی پیش از سال ۶۱۱ هـ ق در مقابل پیشروی مغولان به یکی از قلعه‌های ناصرالدین محتشم فرمانروای اسماعیلی پناه برد. این کار به وی امکان داد که برخی از آثار مهم اخلاقی، منطقی، فلسفی و ریاضی خود از جمله مشهورترین کتابش *اخلاق ناصری* را به رشته تحریر درآورد.

ملا محسن فانی کشمیری از شاعران نامی هندوستان است که در ۱۰۸۱ در گذشته اما از تاریخ تولد فانی خبری قابل استناد و اعتماد در دست نیست. اشعار فانی به گفته استاد سعید نفیسی بیشتر جنبه رئالیسم و ناتورالیسم دارد.

امروزه فانی یکی از برجسته‌ترین نویسندگان و شاعران عصر خود در کشمیر محسوب می‌شود، شهرت فانی از زمانی رخ داد که اثر معروفش *دبستان مذهب* در قرن نوزدهم به دست سر ویلیام جونز افتاد. هم‌چنین نقل است که پس از نگارش *دبستان مذهب* از طرف علمای وقت، مرتد خوانده شد؛ اما بعداً توبه کرده و از کرده خود نادم شد. (۴)

میرشیرعلی خان لودی او را مردی فاضل و متبحر و صاحب جاه و پاکیزه روزگار و خوش خو و خوش گفتار معرفی می‌کند. (مقدمه *دیوان فانی*، ص ج)

فانی پس از تحصیل علوم متداول در کشمیر به سایر نقاط هند و بعداً به بلخ مسافرت نمود و در آنجا درآمد و در آن دوره قصایدی در مدح ممدوح خود ساخت. بعد از مدتی بلخ را ترک کرد و به هند بازگشت و با شاهزاده دارا شکوه آشنا شد. چند روزی در الله‌آباد مقام قاضی القضاات را داشت؛ لکن بخت با او یار نبود و در این زمان سلطان مراد بخش پس از فتح بلخ و ضبط اموال نذر محمدخان، با دست‌یازی به نسخه‌ای از *دیوان فانی* فهمید که فانی در مدح او قصیده‌ای سروده، از وی رنجیده خاطر شده و او را از منصب رسمی معزول ساخت. از این پس فانی در کشمیر صرفاً به تدریس مشغول شد. تا این که در همان ولایت درگذشت.

خواجه نصیرالدین طوسی عالم بزرگ قرن هفتم هجری علاوه بر کتاب *اخلاق ناصری* که بر پایه فلسفه اخلاق ارسطو است، کتاب دیگری در اخلاق به نام *اخلاق محتشمی* برای خواجه ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور محتشم قهستان تألیف کرده است که از نوع کتب پند و امثال شرقی است و با آن که در آن گاهی از حکمای یونان نقل مطلب می‌کند، فاقد جنبه فلسفی و تحلیل روحی فضائل و رذائل است.

نگارنده این سطور بر آن است که در عالم تحقیق پیرامون *اخلاق ناصری* تحقیقات و پژوهش‌های متعددی انجام شده است؛ اما پیرامون *اخلاق محتشمی* از خواجه طوسی و *اخلاق عالم آرا* یا *اخلاق محسنی* اثر ملامحسن کشمیری تحقیقات معدود و محدودی صورت گرفته و لذا کتب مذکور کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به طوری که توان گفت

این کتاب‌ها به طرز شگفت‌آوری ناشناخته باقی مانده‌اند. از این روی انگیزه راقم از معرفی و تطبیق این کتاب‌ها، جهت استفاده بهتر و بیشتر از این نوشتارها است.

*اخلاق محتشمی* به سبک شیعی باطنی نوشته شده و درست مانند *اخلاق ناصری جنبه فلسفی و اخلاقی دارد؛ ولی جنبه عملی آن می‌چربد و برای وعظ و دعوت و پند و اندرز و اصلاح اعمال و اقوال ساخته شده و بسیار به‌جا است که اندرزگران و پندگویان از چنین کتابی که از خامه دانشمندی ارجمند و خردمندی شیعی امامی تراویده است، بهره بگیرند و مطالب آن را در فن خویش به کار برند.*

از مقدمه این کتاب برمی‌آید خواجه ناصرالدین عبدالرحیم بن ابی منصور محتشم قهستانی متوفی ۶۵۵ هـ ق می‌خواسته خود تألیف کند؛ ولی ازدحام اشغال مملکت او را از این منظور باز می‌داشته، ناچار به خواجه طوسی دستور داده که امالی او را با سخنان اهل دعوت بیامیزد و سپس از نظر او بگذراند تا از سواد به بیاض گرفته شود، چنان‌که خواجه طوسی قید کرده: «به‌سبب ازدحام اشغال مملکت و گزاردن مصالح و مهمات رعیت، در اتمام آن خیر تعویق می‌افتاد و چون روزی چند برین بگذشت بر لفظ بزرگوار، به کم‌ترین بندگان و مخلص‌ترین مستفیدان محمد الطوسی، که در اوقات فرصت تقاضای پرداختن این مجموعه می‌کردی، اشارتی رفت که آن‌چه با خط خود نوشته‌ایم، در هر فنی از این ابواب، هم بر این سیاق تو را با خط خود می‌باید گرفت و شمه‌ای از آن‌چه استماع می‌کنی از املاء ما و در کتب اهل دعوت می‌بینی، شمه‌ای را با آن اضافه کرده، تا چون تمام شود و نظر ما بر آن بگذرد، اگر مصلحت بینیم فرمائیم، که از سواد با بیاض گیرند.

بنده کمینه اگرچه خود را استطاعت و اهلیت این عبودیت نمی‌شناخت؛ اما از روی مطاوعت و انقیاد امتثال مثال نمود و از نکتهایی که در وقت مجارات می‌رفت و بر لفظ بزرگوار می‌گذشت و یا در دیگر اوقات هم از این منبع حکمت و معدن رافت، استفادت کرده، آن‌چه لایق هر باب می‌دانست، در آن باب ثبت کرد.

و اگر فنی بود که اسم آن در فهرست مثبت فرموده بودند و در آن فن سخنی کمتر رفته، آن را به کلمه‌ای چند از کتب، که اهل دعوت التقاط کرده‌اند، مزید گردانید، تا

مناسبت محفوظ باشد. انشاءالله که به نظر رضا و عین ارتضا منظور گردد و خللی که افتاده باشد، به ذیل مغفرت مستور گردد. و الله اعلم بالصواب».

### شاخصه‌های اخلاق محتشمی

اخلاق محتشمی کتابی است که از لحاظ موضوع در ردیف اخلاق ناصری خواجه است و از نظر سبک ترجمه متقدمان نمونه ارزنده‌ای به شمار می‌رود. دارای ۴۹۴ صفحه و ۴۰ باب در موضوع‌های مختلف اخلاق است. شیوه تألیف این کتاب چنان است که نخست درباره هر موضوع اخلاقی از قبیل: آفات حرص و طمع و اعراض از دنیا و اقبال بر آخرت و جز اینها آیه‌هایی از قرآن می‌آورد و سپس به درج احادیث به‌ویژه احادیث نبوی می‌پردازد و آن‌گاه «از کلام حکماء و دعا» نقل می‌کند.

از رهگذر دیگر این کتاب متنی است که بسیاری از نکات نادر تاریخ فلسفه و ملل و نحل اسلامی در آن آمده و عبارات بسیاری از کتبی که اکنون در دست ما نیست، مانند کتاب الزیفة ابی حیان توحیدی و کتب فلسفی داعیان و خردمندان باطنی در آن دیده می‌شود.

فارسی آن هم بسیار روان و برابر با عبارات عربی و برای کسانی که در عربیت کار می‌کنند و به فن ترجمت می‌پردازند، بسی سودمند است.

در این کتاب اشعار عربی فراوانی شاهد آورده شده و مصحح گوینده برخی از آنها را تعیین کرده است. نگارنده دیباچه بر این کتاب اقرار دارد که برخی دیگر از گویندگان را می‌شناسد. و لذا برای تکمیل فایده و تتمیم عایده از آن ابیات و گویندگان آن یاد می‌کند و برخی از این اشعار در رسائل پیوست اخلاق محتشمی آمده است (نصیرالدین طوسی، ۱۳۳۹، ص ۲)

چنان‌که بیان شد، خواجه در این کتاب در هر بابی نخست آیات قرآنی و بعد احادیثی از پیغمبر اسلام و امامان شیعی و بعد سخنانی از دعاة اسماعیلی و حکمای یونان نقل می‌کند

و بعد ترجمهٔ فارسی آن را می‌آورد. ترجمه‌ها غالباً سلیس و روان و فصیح است. این کتاب سودمند را محمدتقی دانش‌پژوه از محققان معاصر که سال‌ها است اهل علم با تحقیقات ایشان در کتاب‌شناسی و مخصوصاً کتب فلسفی آشنایی دارند، با زحمت فراوان از روی یگانه نسخهٔ متعلق به دکتر اصغر مهدوی تصحیح کرده و با مقدمهٔ بسیار سودمندی دربارهٔ خواجه نصیرالدین طوسی همراه با سه رسالهٔ دیگر از او به چاپ رسانده است.

خلاصه نقل رأی‌ها و گفته‌های: بوذرجمهر و انوشروان و حکیم فرس و مانند اینها در صفحه‌های گوناگون نشان می‌دهد که در این کتاب از اندیشه‌های مردم ایران باستان که توسط دادبه پارسی (ابن مقفع) و دیگران در فرهنگ تازی در آمده است، نیز گفته‌های گوناگونی نقل شده است. از یاد کردن گفته‌های سقراط و افلاطون و ارسطو و دیوجانس و اسکندر و فیثاغورث و فیلسوف روم و جز اینها حاکی از این است که عقیده‌های فیلسوفان یونان و فیلسوفان و حکیمان اسلام از قبیل بوعلی سینا و جز آن نیز دربارهٔ اخلاق نقل شده است.

خواجه کوشیده است بی‌هیچ تعصبی همهٔ رأی‌های برگزیده و صحیح را دربارهٔ اخلاق نظری از کلیه منابع‌هایی که در عصر او در دسترس دانشمندان بوده است، خواه قرآن کریم و حدیث‌های نبوی و خواه عقیده‌های صوفیان و زاهدان و خواه اندیشه‌های ایرانیان باستان و فیلسوفان هند و یونان گردآورده به‌ویژه از گفته‌های اخوان صفاء (۴۳۶) که به عقیدهٔ برخی از اندیشه‌های اسماعیلیان نیز مبتنی بر نظریه‌های آنان بوده است و هم عقیده‌های داعیان این فرقه گفته‌های بسیاری گردآورده است و می‌توان گفت رقم چهل که در فهرست باب‌های کتاب بدان برمی‌خوریم، چرا که وی آخرین باب کتاب را با عنوان (الباب الاربعون) به پایان می‌رساند نیز، زیر تأثیر اندیشه‌های اسماعیلیان و اخوان صفاء بوده است.

گذشته از این در صفحهٔ نخست خواجه به تصریح از «سجلات موالی» و «دعوات موالینا لذكرهم السلام» و «نکت رجال و دعاة ایشان» و «عموم رفیقان» یاد می‌کند و در بسیاری از صفحه‌ها گفته‌های داعیان و دیگر بزرگان فرقهٔ اسماعیلیان را می‌آورد، چنان‌که در صفحهٔ ۵۹ آورده: «مولانا مستنصر در سجلی به شیخ عبد الملک بن عطاش رحمة الله

نوشته بود و مستجیان دعوت را می‌فرماید...» و در صفحه ۲۰۷ در ترجمه: «عاریا من کل نقیصه» گوید در صفت شیخ عبدالملک عطاش فرموده است که: او از همه نقصان‌ها عاری است، به جز نقصان درویشی که بر درویش و توانگر دین و یقین، از هیچ عار نبود از درویشی» ولی گویا از عبارت ترجمه کلمه‌هایی افتاده باشد، زیرا عبارت عربی چنین است: «عاریا من کل نقیصه دون الاعسار، التي ليس على صاحبها مع الغناء في دینه و یقینه من عار» که گویا ترجمه اصلی چنین بوده است: او از همه نقصان‌ها عاری است، به جز نقصان درویشی که بر خداوند آن با توانگری در دین و یقین، درویشی هیچ عار نبود. (همان، ص ۴۹)

علاوه بر این چنان که آقای دانش‌پژوه در دیباچه (ص سیزده) به نقل از «یادنامه خواجه نصیر» ص ۱۰۸ یادآوری کرده‌اند: «طوسی به جنبه انسانی بیشتر اهمیت می‌داد و آزاداندیش بود و مزه آزادی فیلسوفانه را چشیده و با همه گونه دانشمندان از اسماعیلی، شیعی و سنی نشست و خاست داشت و به آنها احترام می‌گذاشت و چندان تعصب مذهبی روا نمی‌داشت» و با همه این در سراسر کتاب و به ویژه در باب‌های دوم در معرفت نبوت و امامت و باب سوم در حب و بغض و تولا و تبرا اعتقاد خویش را به تشیع نشان داده است و بی‌نظری و عدم تعصب او در نقل گفته‌های داعیان و حکیمان و فیلسوفان دلیل بر مشرب حکیمانه و وسعت نظر و پیروی از روش علمی در تألیف کتاب است.

### ابواب کتاب

این کتاب دارای ۴۰ باب است و چهل باب بودن این کتاب نشان از توجه خواجه به نظر باطنیان دارد که در موضوع‌های مختلف دینی و اخلاقی نوشته شده و پند و اندرز، سخنان حکیمانه، امثال و تمثیلات فراوان به چشم می‌خورد:

سرآغاز؛ یک - سه؛

دیباچه؛ پنج - سی و دو؛

/خلاق محتشمی؛ ١-٤٩٤؛

- الباب الاول؛ في الدين و معرفة الخالق ١٥-٦؛  
 الباب الثاني؛ في معرفة النبوة و الامامة و خلو الزمان عنه ٢٥-١٦؛  
 الباب الثالث؛ في الحب و البغض و التولي و التبري ٣٣-٢٦؛  
 الباب الرابع؛ في الاتحاد و الاتفاق و التوقي من الكبر و النفاق ٤١-٣٤؛  
 الباب الخامس؛ في الجهاد و بذل النفس في سبيل الله ٥٣-٤٢؛  
 الباب السادس؛ في العقل و العلم و شرفهما ٦٤-٥٤؛  
 الباب السابع؛ في الطاعة و العبادة و المواظبة على الاعمال الصالحة ٧٤-٦٥؛  
 الباب الثامن؛ في الدعاء و الصدقة و فوائدهما ٨٢-٧٥؛  
 الباب التاسع؛ في التقوى و الزهد و خشية الله تعالى ٩٦-٨٣؛  
 الباب العاشر؛ في الشكر و الصبر ١٠٦-٩٧؛  
 الباب الحادي عشر؛ في الرضا و التسليم ١١٦-١٠٧؛  
 الباب الثاني عشر؛ في التوكل و الانقطاع الى الله ١٢٥-١١٧؛  
 الباب الثالث عشر؛ في فعل الخير و التوقي عن الشر ١٣٤-١٢٦؛  
 الباب الرابع عشر؛ في الاجتناب من البغي و الظلم ١٤٢-١٣٥؛  
 الباب الخامس عشر؛ في مذمة الدنيا ١٥٩-١٤٣؛  
 الباب السادس عشر؛ في الاعراض عن الدنيا و الاقبال على الآخرة ١٧٥-١٦٠؛  
 الباب السابع عشر؛ في معايب جمع المال ١٨٧-١٧٦؛  
 الباب الثامن عشر؛ في آفات الحرص و الطمع ١٩٩-١٨٨؛  
 الباب التاسع عشر؛ في فضل الفقر على الغنى ٢١٠-٢٠٠؛  
 الباب العشرون؛ في حفظ الامانة و الاحتراز من الخيانة ٢١٧-٢١١؛  
 الباب الحادي و العشرون؛ في صدق الحديث و التحرز من الكذب ٢٢٨-٢١٨؛  
 الباب الثاني و العشرون؛ في فوائد الصمت و حفظ اللسان ٢٣٧-٢٢٩؛  
 الباب الثالث و العشرون؛ في مضرة هفوات اللسان ٢٤٧-٢٣٨؛



- الباب الرابع و العشرون؛ فی حسن الخلق و مکارم الاخلاق ۲۴۸-۲۶۰
- الباب الخامس و العشرون؛ فی الحلم و العفو و كظم الغيظ ۲۶۱-۲۷۳؛
- الباب السادس و العشرون؛ فی آفات الحسد و الحقد و العداوة ۲۸۴-۲۷۴؛
- الباب السابع و العشرون؛ فی الحث على التواضع و خفض الجناح ۲۹۶-۲۸۵؛
- الباب الثامن و العشرون؛ فی ذم التكبر و التجبر و الافتخار ۳۰۷-۲۹۷؛
- الباب التاسع و العشرون؛ فی فضائل السخاء و الكرم و الايثار ۳۱۸-۳۰۸؛
- الباب الثلاثون؛ فی رذائل البخل و الشح و الامساک ۳۲۹-۳۱۹؛
- الباب الحادى و الثلاثون؛ فی الشجاعة و النجدة و ثبات القدم ۳۴۰-۳۳۰؛
- الباب الثانى و الثلاثون؛ فی العفة و قمع الشهوات ۳۵۱-۳۴۱؛
- الباب الثالث و الثلاثون؛ فی الخلعة و الصداقة ۳۶۳-۳۵۲؛
- الباب الرابع و الثلاثون؛ فی مجالسة العلماء و الاختيار ۳۷۰-۳۶۴؛
- الباب الخامس و الثلاثون؛ فی الاجتناب عن مجالسة الاشرار و الجهال ۳۸۰-۳۷۱؛
- الباب السادس و الثلاثون؛ فی خصال السادات و صفات اهل الخير ۳۹۲-۳۸۱؛
- الباب السابع و الثلاثون؛ فی الراى و التعبئة ۴۰۳-۳۹۳؛
- الباب الثامن و الثلاثون؛ فی طلب السعادة و ذكر الخير ۴۱۳-۴۰۴؛
- الباب التاسع و الثلاثون؛ فی الامثال و الشواهد و الاداب و المواعظ ۴۳۸-۴۱۴؛
- الباب الاربعون؛ فی الحكايات و النوادر و النكت و النصايح ۴۹۴-۴۳۹؛

### شاخصه‌های اخلاق محسنی

کتاب اخلاق عالم آرا یا اخلاق محسنی، مانند اغلب کتاب‌های اخلاقی حکمای مسلمان، از جمله اخلاق محشمی در سه بخش تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن نگاشته شده است. فانی، در نگارش این کتاب متأثر از اخلاق ناصری اثر خواجه نصیر طوسی و لوامع‌الاشراق محقق دوانی است. نظریه اخلاقی‌ای که کشمیری در این کتاب

طرح می‌کند، فضیلت‌گرایی اخلاقی، از نوع ارسطویی آن، مبتنی بر نظریه اعتدال یا حد وسط طلایی است.

بنابراین، می‌توان کشمیری را یکی از نقاط عطف در سیر تطور نظریهٔ اعتدال در جهان اسلام دانست که نکات جدید و قابل توجهی را در این نظریه وارد کرده است که پیش از او، کسی به آنها اشاره نکرده بود. این نکات جدید عبارتند از: ۱. ارائه تصویر جدید از تضاد میان نقطه حد وسط و دو طرف ضد آن یعنی افراط و تفریط؛ ۲. دوازده دانستن اجناس عالی رذایل و نقد قول مشهور که آن را هشت عدد دانسته است؛ ۳. پرهیز از خلط معنای افلاطونی و ارسطویی عدالت و ارائه تعریف جدیدی از آن و رذایل مقابلش (ظلم و انظلام). وی هم‌چنین انتقادهایی به حکمای پیشین مانند: خواجه طوسی و جلال‌الدین دوانی در مورد ایجاد رابطه جنس و نوع بین فضایل اصلی چهارگانه و فضایل فرعی داشت و فهرست آنها از اجناس عالی فضایل و انواع مندرج تحت آنها را خالی از اشکال نمی‌دانست.

فانی کشمیری همانند اغلب حکمای اسلامی، در آغاز بخش اول کتاب خویش، که مربوط به تهذیب اخلاق است، به بیان قوای نفس و فضایل آن می‌پردازد. وی قوای نفس انسانی را بر اساس تقسیم‌بندی افلاطونی، سه قوه بیان می‌کند: قوه غضبی، که مبدأ اخلاق سباع و منشأ عداوت و نزاع است و آن را نفس سبعی و نفس لوامه نیز گویند. قوه شهوی، که موجب صفات بهایم و حاکم به آن چه ملایم نفس است و آن را نفس بهیمی یا اماره گویند. قوه ناطقه، که سبب ادراک کلیات و تمییز اقسام معقولات است و آن را نفس ملکی یا مطمئنه گویند. قوه ناطقه از آن جهت که مبدأ توجه نفس به ادراک معقولات و منشأ تأثر او از مبادی عالی است، عقل نظری گفته می‌شود و از آن جهت که واسطه تمییز منافع و مفاسد اعمال و وسیله تأثیر در صدور این افعال است و به عقل عملی مشهور است. بنابراین، با ملاحظه این دو جهت از قوه ناطقه، در حقیقت، تعداد قوای نفس، چهار است (فانی کشمیری، ۱۳۶۱، ص ۱۴-۱۳)

کشمیری بر خلاف حکمای دیگر، که حواس ظاهری و باطنی را جزء قوای نفس می‌دانستند، آنها را آلات قوه عاقله در ادراک بیان می‌کند:

و آلات دو قسم است، بعضی تعلق به ظاهر دارد و بعضی به باطن. آلات ظاهری پنج است: باصره، سامعه، شامه، لامسه و ذائقه و آلات باطنی نیز پنج حس مشترک، حافظه و متخيله متفکره و واهمه و قوت عاقله به نیروی این آلات به نظام چهار بن دیوار و ضبط چهار حد مملکت بدن اشتغال دارد و از این آلات، هر یکی را به کاری که مناسب اوست، می‌گمارد. (همان، ص ۱۴)

وی در ادامه، تقسیم‌بندی دیگری از قوای نفس را بیان می‌کند که متعلق به خواجه نصیر طوسی است. خواجه برای نفس انسان، ابتدا دو قوه تحریک و ادراک قائل می‌شود که هر یک دو قوه دارند؛ قوه تحریک به دو قوه شهوی و غضبی تقسیم می‌شود و قوه ادراک به دو قوه نظری و عملی. (طوسی، ۱۴۱۳ق، ص ۷۳-۷۲)

محسن فانی در اخلاق محسنی، اظهار نظرهایی برابر پیشینیان و هم‌عصران کرده است. در اینجا به ذکر چند نمونه از آنها بسنده می‌شود. وی در فصل سوم از فن یکم در مبحث انواع متعلق به حکمت می‌نویسد: در اخلاق ناصری و لوامع الاشراف علم را در انواع حکمت شمرده‌اند و پس از توضیحات لازمه می‌افزاید هرگاه سخاوت و حلم در اقسام تابع و متبوع خود در آید، اندراج علم در متعلقات حکمت که تابع علم است نیز مناسب می‌نماید. فانی با توجه به اینکه طوسی و دوانی اضداد رذایل را، در برابر فضایل اربع، محدود به هشت رذیلت دانسته‌اند، اظهار داشته که بر این هشت رذیلت چهار رذیلت دیگر باید افزود، که محقق طوسی و مدقق دوانی در بیان اضداد فضایل، این چهار رذیلت را نیآورده‌اند و گاهی نوشته دو کتاب طوسی و دوانی را که در ارتباط با مطلبی بیان شده با یکدیگر سنجیده و در خاتمه نظر خود را بیان داشته است، چنان‌که در فن سیوم، فصل دوم در فضیلت محبت نظریات آن دو را در باره گفته ارسطاطالیس بررسی کرده است و نظر دوانی را ترجیح داده

و مناسب‌تر دیده است. سپس نظر خود را با عبارت: «اما به خاطر فاتر می رسد...». بر گفته آن دو در گزارش بیان ارسطاطالیس می آورد.

با وجود جوانب مثبت در اخلاق محسنی نواقص و معایبی هم یافت می شود، مانند استفاده از احادیث ضعیف و آرای سست و بی اساس و ستایش و مدح کسانی که در خور آن گونه ستایش و مدح نبوده اند.

### فهرست مطالب کتاب

#### مقدمه آلکاتل

**فن اول:** در بیان تهذیب الاخلاق و آن مشتمل است بر سه باب:

باب اول، در بیان فضایل و متعلقات آن و در او چند فصل است:

فصل اول، در حصر فضایل روحانی و بیان قوای انسانی که مبادی فضایل اربعه اند؛

فصل دوم، در رسوم فضایل اربع و بیان فضیلت و حقیقت حسن خل؛

فصل سوم، در بیان متعلقات این اجناس اربعه؛

فصل چهارم، در بیان اضداد فضایل و شرح اجناس رذایل؛

فصل پنجم، در بیان فرق میان فضایل و شبه آن؛  
فصل ششم، در بیان شرافت عدالت و شرح اقسام و احوال این فضیلت.

باب دوم، در ترتیب اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل؛

فصل اول، در بیان ترتیب اکتساب فضایل و اجتناب از رذایل؛

فصل دوم، در حفظ صحت نفس انسانی و ابقای کمال روحانی.

باب سوم، در معالجه امراض نفسانی و مدافعه علل روحانی در چهار فصل:

فصل اول، در بیان انواع امراض و اسباب و علامات و طریق معالجات آن بر وجه کلی؛

فصل دوم، در بیان امراض قوت تمیز که به قوت نظری و قوت عملی منشعب می گردد؛

فصل سوم، در بیان امراض قوت دفع؛

فصل چهارم، در بیان امراض قوت جذب.

**فن دوم:** در تدبیر منزل که آن را حکمت منزلی نیز خوانند و این فن مشتمل است بر دو باب: باب اول، در سبب احتیاج به منزل و معرفت ارکان آن باب دوم، در تدبیر بعضی از این آرمان و بیان احکام آن و این باب مشتمل است بر چند فصل:

فصل اول، در تدبیر اموال و اقوام و حفظ آن؛

فصل دوم، در تدبیر ازواج و تخریر ازواج؛

فصل سوم، در سیاست اولاد و تربیت احفاد؛

فصل چهارم، در رعایت حقوق والدین؛

فصل پنجم، در سیاست عبید و خدم.

**فن سیوم:** در سیاست مدن، در دو باب:

باب اول در سبب احتیاج به تمدن و شرح احوال و اقسام آن و فضیلت محبت و بیان اصناف اجتماعات در سه فصل:

فصل اول، در سبب احتیاج به تمدن؛

فصل دوم، در فضیلت محبت؛

فصل سوم، در اقسام اجتماعات.

باب دوم در تدبیر ملک و آداب ملوک و معاشرت اصناف مردم با پادشاه و موانست افراد بنی آدم سه فصل:

فصل اول، در سیاست ملک و آداب ملوک؛

فصل دوم، در کیفیت معاشرت مردم با اصناف مردم؛

فصل سوم، در بیان فضیلت صداقت و رسوم معاشرت با اصداقا.

خاتمه: در نصیحت چندی.

### تطبیق اخلاق محتشمی با اخلاق محسنی

اخلاق محتشمی و اخلاق محسنی هر دو به حاکمان وقت تقدیم شده‌اند.

در هر دو کتاب نقل آیات و روایات و اقوام بزرگان و متقدمین کم و بیش خودنمایی می‌کند.

در هر دو کتاب از اشعار و سروده‌ها جهت انتقال مفاهیم سود جسته‌اند، با این تفاوت که اشعار/اخلاق محتشمی از شعر شاعران است و از حیث کمیت بسیار کم است و اشعار/اخلاق محسنی اغلب از مؤلف کتاب است و از حیث کمیت بسیار، بسیار است.

تاریخ نگارش/اخلاق محتشمی معلوم نیست، تنها مطلبی که محققان در باره زمان تألیف این کتاب ذکر کرده‌اند، این است که کتاب مذکور پیش از/اخلاق ناصری تألیف شده و علت این ادعا را سادگی عبارات آن دانسته‌اند (طوسی، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۲۳) اما/اخلاق محسنی در (۱۰۷۵ هـ) به نگارش در آمده است. آیات و روایات و اقوال عربی در/اخلاق محتشمی کاملاً با ترجمه فارسی همراه است. به طوری که می‌توان گفت کسانی را که در این فن مشغول به تعلیم هستند، بسیار مفید است؛ ولی در/اخلاق محسنی اغلب به ترجمه متون عربی توجهی نشده و آن مقدار هم که ترجمه شده، ترجمه آزاد بوده و فقط در راستای رساندن مفهوم صورت گرفته است.

در/اخلاق محسنی بر خلاف/اخلاق محتشمی به واژگان التفات بسیاری هست به همین سبب می‌توان گفت این کتاب گاه شبیه به فرهنگنامه مفصل واژگان شده است. نمونه را در صفحه ۳۶ نوشته است:

**سفاهت:** استعمال قوت فکری است زیاده بر حد واجب و تربیت مقدمات متدارکه در اثبات مطالب و آن را گریزی نیز گویند و این رذیلتی است که در طرف افراط واقع است.

**و بلاهت:** که در طرف تفریط است، عبارت است از تعطیل قوت نظری در اکتساب مجهولات و تقصیر آن در تحصیل معقولات از روی ارادت، نه به حسب خلقت.

**و تهور:** آن است که نفس در هنگام غضب صبر را مرعی ندارد و در تحصیل امری نباید کرد، قدم گذارد و این صفت در طرف افراط است.

**و جبن:** که در جانب تفریط است، آن است که شخص از چیزی که نباید ترسید، بترسد و در مواقع غیرهائیه به گمان ضرر بر خویش بلرزد.

**شوه:** عبارت از آن است که نفس اماره به مشتبهات نفسانی و مستلذات این جهانی مایل شود و به مقوله «هل من مزید» قایل گردد. الخ

هر دو کتاب جنبه عرفانی دارند؛ یعنی به مباحث عرفانی هم تمایل و توجه داشته‌اند؛ اما این توجه و تمایل به نظر نگارنده این سطور در *اخلاق محسنی* پررنگ‌تر است.

خواجه در نگارش *اخلاق محتشمی* بیش از آن که مؤلف نظرات خود باشد، گردآورنده نظرات و تدوین‌گر آیات و روایات و اقوال حکما و «دعاة» است؛ اما فانی در نگارش *اخلاق محسنی* بیش از آن که گردآورنده و تدوین‌گر آیات و احادیث و اقوال حکما باشد، مؤلف نظرات شخصی خود هست. این امر موجب شده خوانندگانی که از مطالعه اقوال گریزانند و احساس خستگی می‌کنند، اشتیاق بیشتری به مطالعه *اخلاق محسنی* داشته باشند. در عوض جنبه مذهبی *اخلاق محتشمی* پررنگ‌تر از *اخلاق محسنی* است.

در هر دو کتاب اصول سه‌گانه تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و تدبیر مدن، مد نظر بوده، تنوع منابع در *اخلاق محسنی* بیشتر از *اخلاق محتشمی* است. چه اینکه در این کتاب علاوه بر آثار حکما و فلاسفه از جمله آثار ابن سینا و غزالی و خواجه نصیر از آثار شعرای به نام فارسی زبان چون ابو سعید ابوالخیر، سعدی، حافظ، نشانی دهلوی و... بهر مند شده است.

### نتیجه

در مجموع تفاوت‌ها و شباهت‌های *اخلاق محتشمی* و *اخلاق محسنی* را این‌گونه می‌توان خلاصه کرد:

### تفاوت‌ها

خواجه در *اخلاق محتشمی* صرفاً به عنوان راوی و گردآورنده اقوال عمل کرده و مطالب کتاب کاملاً مرتب و دسته‌بندی شده است و آنچه را که از آیات، احادیث و سخنان بزرگان راجع به هر موضوعی بیان می‌کند، بدون اینکه به نقد و شرح یا ارائه نظر پردازد رها می‌کند؛ اما فانی، ضمن اظهار نظر و قید نظرات خود به طور منطقی بعد از نقل و درج آیات و احادیث و اقوال حکما و عرفا به توضیح و نقد آنها هم کم و بیش

می‌پردازد. به عبارت دیگر فانی، از منقولات اغلب به عنوان شاهد مثال و دلیل برای اظهار نظر بهره می‌گیرد تا به تعریف کردارهای اخلاقی بپردازد و این امر موجب شده نثر دو کتاب هم بسیار متفاوت از همدیگر باشد، به طوری که نثر/اخلاق محتشمی، خطابی است و ترجمه‌های عربی آن بسیار روان و ساده صورت گرفته است؛ ولی نثر/اخلاق محسنی، نثری ادبی، پژوهشی و تا حدودی دشوار است و به ترجمه متون عربی چندان توجهی ندارد. از نظر تقسیمات ساختاری هم، اخلاق محتشمی و محسنی چندان مطابق هم نیستند، چه این که اخلاق محتشمی چهل باب دارد و اما اخلاق محسنی متشکل از سه فن و یک خاتمه است که هر فن به فراخور بحث به چند باب و فصل تقسیم می‌شود. در اخلاق محتشمی به آداب مملوک، سیاست مُلک، اقسام اجتماعات و احوال مدن و علت احتیاج به تمدن و تدبیر منزل آن‌چنان که شاهان را سزاست توجهی نشده و بیشتر به مسایلی توجه شده که مفید حال عموم است و لحن پند و اندرز‌گویانه دارد؛ اما در اخلاق محسنی به امور مذکور توجه تام شده و لحن آن پژوهشی و علمی و ادبی است.

#### شباهت‌ها

در هر دو کتاب به فراخور موضوعات از امثال و اشعار، و آیات و احادیث، اقوال حکما و بزرگان بهره گرفته‌اند. اگر چه اشعار که در اخلاق محتشمی از آنها استفاده شده، عربی است و از خواجه نیست و اشعار که در اخلاق محسنی راه یافته فارسی است و اغلب سروده فانی است.

فرجام سخن اینکه هر دو کتاب به فضایل و رذایل اخلاقی توجه داشته‌اند.



## منابع

- اترک، حسین. (۱۳۹۲)، نوآوری‌های محسن فانی کشمیری در نظریه اعتدال، دو فصلنامه معرفت اخلاقی، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، پاییز و زمستان، ص ۲۲ - ۵.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۳۳۹)، اخلاق محتشمی، - ابن مقفع، عبدالله بن دادویه، دانش‌پژوه، محمدتقی، دانشگاه تهران.
- فانی کشمیری، محسن. (۱۳۶۱)، اخلاق عالم آرا، بی‌جا، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۱)، اخلاق عالم آرا، تصحیح خ. جاویدی، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۴۲) دیوان، گردآوری و تصحیح گ. ل. تیکو، انتشارات انجمن ایران و هند - تهران.
- قربان خانی، مرضیه؛ سید محمدرضا ابن‌الرسول. (۱۳۹۱)، مقایسه دو کتاب اخلاق ناصری و اخلاق محتشمی، فصلنامه اخلاق، سال دوم شماره ۶ تابستان ص ۲۴۴ - ۱۹۹.
- کتاب‌شناخت آثار خواجه نصیرالدین طوسی، مرکز تحقیقات رایانه‌ای نور.